

تحلیل گفتمان اگزستانسیال اضطراب ناپایداری اقتصادی در بیماران افسرده

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل گفتمان اگزستانسیال اضطراب ناپایداری اقتصادی در بیماران مبتلا به افسردگی بود تا ابعاد روان معنایی و روایت‌های زبانی مرتبط با تجربه زیسته آن‌ها بررسی شود. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل گفتمان انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۴ بیمار مبتلا به افسردگی ساکن تهران گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و فرایند گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌های صوتی مصاحبه‌ها و انویسی شدند و با استفاده از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ مورد کدگذاری و تحلیل مضمون قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل «تجربه زیسته اضطراب اقتصادی»، «اختلال در روابط اجتماعی و بین فردی»، و «معنای اگزستانسیال ناپایداری اقتصادی» شد. این مقولات شامل ۱۴ زیرمقوله و بیش از ۷۰ کد اولیه بودند. بیماران، اضطراب اقتصادی را در قالب احساس ناتوانی، بی‌معنایی، انزوا، شرمندگی، تنش‌های خانوادگی و تهی شدن معنای زندگی تجربه و بازنمایی می‌کردند. برخی نیز تلاش کرده بودند در دل بحران اقتصادی، معناهای جدیدی برای خود بازسازی کنند. نتایج این پژوهش نشان داد که اضطراب اقتصادی در بیماران افسرده صرفاً یک پدیده مالی نیست، بلکه در سطوح اگزستانسیال، روانی و اجتماعی تجربه می‌شود. تحلیل گفتمان اگزستانسیال می‌تواند به شناسایی لایه‌های پنهان معنا، هویت و رنج در مواجهه با بحران‌های اقتصادی کمک کرده و راهگشای تدوین مداخلات روان‌درمانی و سیاست‌های حمایتی مؤثرتر باشد.

کلیدواژه‌گان: افسردگی، اضطراب اقتصادی، تحلیل گفتمان، معنا، اگزستانسیالیسم، ناپایداری مالی

HEALTH PSYCHOLOGY AND
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری

سعید جمشیدیان^۱

۱. گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان،
کرمان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول:
Jamshidian.Saeed@gmail.com

شیموه استناددهی: جمشیدیان، سعید. (۱۴۰۳). تحلیل گفتمان
اگزستانسیال اضطراب ناپایداری اقتصادی در بیماران افسرده.
روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری، ۲ (۳)، ۸-۱.

Existential Discourse Analysis of Economic Instability Anxiety in Patients with Depression

Submit Date: 2024-07-29

Revise Date: 2024-08-27

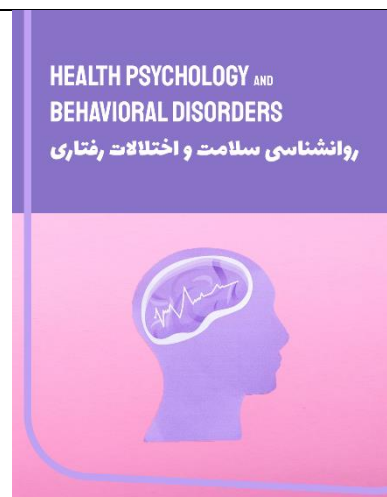
Accept Date: 2024-09-05

Publish Date: 2024-09-20

Abstract

This study aimed to analyze the existential discourse of economic instability anxiety in patients with depression, focusing on the psychological and semantic dimensions of their lived experiences. A qualitative design using existential discourse analysis was employed. Data were collected through semi-structured interviews with 24 individuals diagnosed with depression residing in Tehran. Purposeful sampling was used, and interviews continued until theoretical saturation was reached. All interviews were audio-recorded, transcribed verbatim, and analyzed using NVivo 12 software through thematic coding. The analysis yielded three main categories: “Lived Experience of Economic Anxiety,” “Disruption in Social and Interpersonal Relationships,” and “Existential Meaning of Economic Instability.” These categories encompassed 14 subthemes and over 70 open codes. Participants expressed their economic anxiety through themes of helplessness, meaninglessness, social withdrawal, shame, familial tension, and existential emptiness. Some individuals, however, demonstrated efforts to reconstruct personal meaning within the context of economic crisis. The findings revealed that economic anxiety in depressed patients is not limited to financial concerns but extends into existential, psychological, and social domains. Existential discourse analysis enables the exploration of hidden layers of meaning, identity, and suffering in times of economic instability and offers valuable insights for designing more responsive psychotherapeutic interventions and policy support.

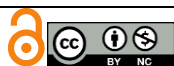
Keywords: *Depression, economic anxiety, discourse analysis, meaning, existentialism, financial instability.*

Saeed Jamshidian^{1*}

1. Department of Curriculum Planning, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

*Corresponding Author's Email: Jamshidian.Saeed@gmail.com

How to cite: Jamshidian, S. (2024). Existential Discourse Analysis of Economic Instability Anxiety in Patients with Depression. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 2(3), 1-8.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

در دهه‌های اخیر، تحول در ساختارهای اقتصادی جهانی، نوسانات بازار کار، تورم، رکود اقتصادی و افزایش نابرابری‌های درآمدی، موجب شکل‌گیری پدیده‌ای فراگیر به نام «اضطراب اقتصادی» شده است؛ اضطرابی که فراتر از دغدغه‌های مالی روزمره عمل می‌کند و به لایه‌های عمیق‌تری از تجربه انسانی، از جمله هویت، معنا، آینده‌نگری و امنیت روانی نفوذ کرده است (Sweet et al., 2013). در این میان، بیماران مبتلا به افسردگی، به‌عنوان گروهی با آسیب‌پذیری روانی بالا، بیش از دیگران تحت تأثیر ناپایداری اقتصادی قرار می‌گیرند. ترکیب افسردگی و اضطراب ناشی از بی‌ثباتی مالی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر ادراک فرد از خود، دیگران و آینده برجای گذارد و او را به سطوحی اگزستانسیال از بحران معنای زندگی سوق دهد (Mills et al., 2022).

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که بحران‌های اقتصادی می‌توانند با افزایش میزان افسردگی، اضطراب، افکار خودکشی و احساس بی‌معنایی در زندگی همراه شوند (Frasquilho et al., 2016). این بحران‌ها نه تنها وضعیت روان‌شناختی افراد را متزلزل می‌سازند، بلکه ساختارهای معنایی و گفتمانی زیربنای تجربه زیسته آن‌ها را نیز دچار تغییر می‌کنند. در واقع، ناپایداری اقتصادی صرفاً یک رویداد بیرونی نیست، بلکه در سطح زبان، معنا و روایت‌های فردی نیز بازتاب می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که افراد در بستر روایت‌های شخصی‌شان، احساس اضطراب، شکست، محرومیت، و ازهم‌گسیختگی معنوی را تجربه و بازگو می‌کنند (Bourdiesian, 2014).

در میان رویکردهای نظری مختلف برای درک پدیده اضطراب اقتصادی، رویکرد اگزستانسیالیستی یکی از عمیق‌ترین و جامع‌ترین رویکردها محسوب می‌شود. نظریه‌پردازان اگزستانسیال نظیر ویکتور فرانکل (Frankl, 1985) و اروین یالوم (Yalom, 1980) معتقدند که انسان در شرایط بحرانی، با اضطراب‌هایی بنیادین مواجه می‌شود: ترس از بی‌معنایی، تنهایی وجودی، مرگ و آزادی بدون ساختار. این اضطراب‌ها، هنگامی که با عوامل بیرونی مانند فقر یا نابرابری اقتصادی ترکیب می‌شوند، به شکل بحران‌های روانی پیچیده‌ای در می‌آیند که تنها از طریق تحلیل لایه‌های معنایی و گفتمانی قابل درک هستند (May, 1950).

در ایران، که در سال‌های اخیر با نوسانات شدید اقتصادی، تورم بالا، و کاهش قدرت خرید اقشار آسیب‌پذیر مواجه بوده است، بررسی ابعاد روانی ناپایداری اقتصادی اهمیت دوچندان دارد. پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که وضعیت ناپایدار اقتصادی با کاهش احساس امنیت روانی، افزایش اختلالات خلقی و افت رضایت از زندگی همراه بوده است (Kaviani et al., 2018). اما آنچه در اغلب این مطالعات مغفول مانده، تحلیل لایه‌های معنایی و زبان‌شناختی تجربه اضطراب اقتصادی است؛ به‌ویژه در میان گروه‌هایی که از قبل مستعد بحران‌های روانی بوده‌اند، مانند افراد مبتلا به افسردگی.

افسردگی به‌عنوان یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌شناختی، با ویژگی‌هایی همچون خلق پایین، احساس بی‌ارزشی، کاهش انرژی، و از دست دادن معنا در زندگی مشخص می‌شود (American Psychiatric Association, 2013). وقتی این وضعیت با تهدیدهای اقتصادی مزمن همراه می‌شود، می‌تواند تجربه‌ای پیچیده‌تر، عمیق‌تر و گاه ناگفتنی ایجاد کند که تنها از طریق روش‌های کیفی و تفسیری قابل کشف است (Smith & Osborn, 2007). در چنین شرایطی، زبان به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی تجربه درونی، نقش کلیدی ایفا می‌کند. تحلیل گفتمان، به‌ویژه در سطح اگزستانسیال آن، می‌تواند به ما کمک کند تا بفهمیم افراد چگونه اضطراب‌های خود را معنا می‌بخشند، آن‌ها را روایت می‌کنند و در بستر اجتماعی-فرهنگی‌شان با آن‌ها مواجه می‌شوند.

تحلیل گفتمان اگزستانسیال، تلفیقی از رویکردهای پدیدارشناختی، معنا بخشی و زبان‌شناسی انتقادی است که می‌کوشد ابعاد عمیق روانی تجربه‌های زیسته افراد را در قالب واژگان، استعاره‌ها، روایت‌ها و سکوت‌ها بررسی کند (van Manen, 1990). این تحلیل با تمرکز بر نحوه شکل‌گیری معنا در بافت‌های اجتماعی و روانی، امکان فهم پویایی‌های درونی اضطراب را فراهم می‌سازد. در زمینه اضطراب ناپایداری اقتصادی، این نوع تحلیل می‌تواند روشن سازد که چگونه افراد در مواجهه با بی‌ثباتی مالی، هویت فردی خود را بازتعریف می‌کنند، احساسات اگزستانسیال خود را بروز می‌دهند و از چه سازوکارهای زبانی برای مواجهه با این بحران بهره می‌گیرند.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی گفتمان اگزیستانسیال اضطراب ناشی از ناپایداری اقتصادی در بیماران افسرده ساکن تهران از طریق روش کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است. تمرکز پژوهش بر آن است که نشان دهد بیماران چگونه تجربه اضطراب اقتصادی را در زبان و روایت‌های خود بازنمایی می‌کنند و چه معنایی را به وضعیت خود نسبت می‌دهند. این پژوهش تلاش دارد به جای ارائه تعمیم‌های آماری، به عمق تجربه روانی بیماران بپردازد و از خلال زبان آن‌ها، به فهمی بینافردی، اگزیستانسیال و روان‌جامعه‌شناختی از اضطراب اقتصادی دست یابد.

بر این اساس، یافته‌های پژوهش می‌توانند در طراحی مداخلات روان‌درمانی حساس به زمینه اقتصادی، تدوین سیاست‌های رفاهی هدفمند، و شناخت دقیق‌تر وضعیت روانی-اجتماعی بیماران افسرده در شرایط بحران اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. از آن‌جا که اغلب مداخلات سلامت روان در ایران با تأکید بر عوامل فردی و شناختی طراحی می‌شوند، غفلت از بافت‌های ساختاری مانند اقتصاد می‌تواند اثربخشی آن‌ها را کاهش دهد. لذا شناخت گفتمان‌های شکل‌گرفته در تجربه زیسته بیماران، گامی ضروری برای تدوین رویکردهای جامع‌تر در سیاست‌گذاری سلامت روان محسوب می‌شود.

روش‌شناسی

این مطالعه کیفی با هدف تحلیل گفتمان اگزیستانسیال اضطراب ناشی از ناپایداری اقتصادی در بیماران افسرده طراحی شد. جامعه آماری شامل بیماران مبتلا به افسردگی در شهر تهران بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. تعداد کل شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۴ نفر بود که با توجه به اصل اشباع نظری، تا زمانی که داده‌ها تکراری شده و اطلاعات جدیدی به دست نیامد، به جمع‌آوری داده‌ها ادامه داده شد.

روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که امکان طرح سوالات انعطاف‌پذیر و تعمیق در موضوعات مرتبط با اضطراب اقتصادی و تجربه زیسته بیماران را فراهم ساخت. تمام مصاحبه‌ها ضبط صوتی شده و سپس به صورت دقیق کلمه به کلمه تایپ و برای تحلیل آماده گردیدند.

تحلیل داده‌ها به روش تحلیل گفتمان انجام شد و از نرم‌افزار Nvivo برای مدیریت، کدگذاری و سازماندهی داده‌های متنی استفاده شد. فرایند تحلیل شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی بود که به استخراج مفاهیم و ساختارهای معنایی مرتبط با اضطراب ناپایداری اقتصادی در بیماران افسرده منجر شد. بدین ترتیب، پژوهشگر توانست ابعاد مختلف گفتمان اگزیستانسیال اضطراب را در این گروه شناسایی و تبیین نماید.

یافته‌ها

حس ناتوانی در کنترل آینده:

بیماران افسرده در مواجهه با ناپایداری اقتصادی، نوعی احساس از دست دادن کنترل بر آینده خود را تجربه می‌کردند. آن‌ها قادر به برنامه‌ریزی مالی یا هدف‌گذاری درازمدت نبودند. یکی از شرکت‌کنندگان اظهار داشت: «احساس می‌کنم توی مه هستم، اصلاً نمی‌دونم قراره چی بشه. حتی برای هفته دیگه هم نمی‌تونم برنامه بریزم.» این احساس ناتوانی منجر به اضطراب دائم و درک بی‌ثباتی زندگی می‌شد. آسیب به هویت فردی:

تجربه ناپایداری اقتصادی باعث تخریب تصویر ذهنی افراد از خودشان می‌شد. بسیاری از آن‌ها احساس بی‌ارزشی و شرمندگی نسبت به موقعیت مالی خود داشتند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «وقتی نمی‌تونی هزینه‌های اولیه خنودتو بدی، دیگه حس می‌کنی مرد نیستی، حتی به خودت هم شک می‌کنی.»

نشانه‌های بدنی ناشی از اضطراب:

اضطراب اقتصادی در بسیاری از مشارکت‌کنندگان با نشانه‌های جسمانی همراه بود، مانند بی‌خوابی، تپش قلب و دردهای مبهم. یکی از آن‌ها عنوان کرد: «هر وقت به قسطا فکر می‌کنم، قلبم شروع می‌کند به تند زدن. شب‌ها با استرس بیدار می‌شم و نمی‌تونم بخوابم.»

درگیری ذهنی مداوم با مشکلات اقتصادی:

ذهن افراد دائماً درگیر موضوعات مالی بود و این امر مانع از تمرکز، آرامش ذهنی و انجام فعالیت‌های روزمره می‌شد. یکی از افراد بیان کرد: «ذهنم دائم درگیره. حتی وقتی دارم فیلم می‌بینم، فکرم پیش قسط خونه‌ست. اصلاً نمی‌تونم از چیزی لذت ببرم.»

احساس محرومیت مزمن:

شرکت‌کنندگان احساس می‌کردند که از بسیاری از امکانات و لذت‌های زندگی محروم شده‌اند. این احساس در آن‌ها باعث کاهش عزت‌نفس و حس شکست شده بود. یکی از آن‌ها گفت: «تا حالا مسافرت درست و حسابی نرفتم. حتی گاهی از خرید یه کفش ساده هم محرومم. حس می‌کنم زندگی فقط برای بقیه‌ست.»

کناره‌گیری از جمع:

ترجیح به انزوا یکی از پاسخ‌های رایج شرکت‌کنندگان در برابر اضطراب مالی بود. آن‌ها از جمع فاصله می‌گرفتند تا مورد قضاوت قرار نگیرند. یک مشارکت‌کننده گفت: «دیگه عروسی و مهمونی نمی‌رم. وقتی لباسم در حد بقیه نیست یا نمی‌تونم هدیه ببرم، حس می‌کنم همه دارن نگاهم می‌کنن.»

تنش‌های خانوادگی ناشی از فشار مالی:

مشکلات اقتصادی زمینه‌ساز تعارض‌های زناشویی و خانوادگی بود. در برخی موارد این تنش‌ها به خشونت روانی یا حتی فیزیکی نیز ختم می‌شد. یکی از بیماران اظهار کرد: «هر شب بحث داریم. همسرم می‌گه چرا بیشتر کار نمی‌کنی، منم عصبی می‌شم. فشار این وضعیت خونه رو داغون کرده.»

کاهش کیفیت روابط عاطفی:

در اثر مشکلات مالی، روابط عاطفی بین زوجین دچار افت شده بود. بسیاری از افراد از سردی رابطه، کاهش صمیمیت و ترس از جدایی صحبت کردند. یک فرد در این باره گفت: «وقتی دائم تو فشار پولی باشی، دیگه رmq محبت کردن نداری. فقط سکوت می‌مونه بینمون.»

پنهان‌کاری مشکلات اقتصادی:

بسیاری از افراد تمایل داشتند وضعیت واقعی مالی خود را از دیگران پنهان کنند. آن‌ها برای جلوگیری از قضاوت یا ترحم، به دروغ یا تظاهر روی می‌آوردند. یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «همیشه نشون می‌دم اوضاع خوبه، حتی لباس نو می‌پوشم، ولی تهش پول ندارم نون بخرم.»

تهی شدن معنای زندگی:

برخی از بیماران در مواجهه با ناپایداری اقتصادی، دچار بحران معنا شده بودند. آن‌ها احساس پوچی و بی‌هدفی داشتند. یکی از آن‌ها بیان کرد: «سؤال می‌کنم این همه تلاش واسه چیه؟ آخرش همش اضطرابه. دیگه هیچ چیز برام معنا نداره.»

تقابل بین بودن و داشتن:

تضاد بین ارزش‌های مادی و وجودی برای افراد برجسته شده بود. برخی بین خواسته‌های بیرونی و نیازهای درونی دچار سردرگمی بودند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «احساس می‌کنم باید بین آرامش و پول یکی رو انتخاب کنم. ولی تو این جامعه بدون پول، هیچ چیز ممکن نیست.»

بازتعریف خود در بستر بحران:

برخی از بیماران تلاش داشتند در شرایط فشار مالی، معنای جدیدی برای زندگی بیابند و خود را بازتعریف کنند. یکی گفت: «شروع کردم به نوشتن. می‌خوام بفهمم کی هستم و از دل این وضعیت یه معنا پیدا کنم.»

مواجهه با ترس اگزستانسیال:

اضطراب ناشی از ناپایداری اقتصادی گاه به سطحی اگزستانسیال می‌رسید و ترس‌هایی بنیادین مانند ترس از مرگ، بی‌خانمانی و بی‌پناهی را برمی‌انگیخت. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «گاهی کابوس می‌بینم که تو خیابون خوابیدم. حس می‌کنم هر لحظه ممکنه همه‌چیز از هم بپاشه.»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تجربه اضطراب ناپایداری اقتصادی در بیماران افسرده، واجد ساختاری پیچیده، چندلایه و عمیقاً اگزستانسیال است که در قالب گفتمان‌های خاصی بروز می‌یابد. این گفتمان‌ها در سه مقوله اصلی «تجربه زیسته اضطراب اقتصادی»، «اختلال در روابط اجتماعی و بین‌فردی»، و «معنای اگزستانسیال ناپایداری اقتصادی» سازمان یافته‌اند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که بیماران نه تنها از جنبه اقتصادی آسیب دیده‌اند، بلکه اضطراب ناشی از این وضعیت، ساختار هویتی، روابط اجتماعی، و نظام معنا بخشی آنان را نیز متأثر ساخته است.

در مقوله اول، «حس ناتوانی در کنترل آینده» یکی از مضامین محوری بود که به‌وضوح در بیانات مشارکت‌کنندگان بازتاب یافته بود. این مضمون با یافته‌های پژوهش Sweet و همکاران (۲۰۱۳) همسوست که نشان دادند ناپایداری مالی، توان افراد برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را کاهش داده و احساس ناتوانی مزمن ایجاد می‌کند. همچنین، پدیده «آسیب به هویت فردی» در تجربه زیسته بیماران تأیید می‌کند که وضعیت اقتصادی می‌تواند با ایجاد شرم، احساس بی‌ارزشی و مقایسه‌های اجتماعی منفی، به تخریب هویت روانی فرد بینجامد؛ یافته‌ای که با نتایج پژوهش Kaviani و همکاران (۲۰۱۸) در جامعه ایرانی هم‌راستا است.

«نشانه‌های بدنی اضطراب» نظیر بی‌خوابی، تپش قلب و دردهای مبهم، در بیماران حاضر شایع بود. این پدیده در ادبیات روان‌پزشکی به عنوان somatization شناخته می‌شود و در پژوهش‌های Frasilho و همکاران (۲۰۱۶) نیز به‌عنوان یکی از تبعات روان‌تنی اضطراب اقتصادی معرفی شده است. از سوی دیگر، درگیری ذهنی مداوم با مسائل مالی، تمرکز و عملکرد روزمره را به شدت مختل کرده بود؛ موضوعی که Mills و همکاران (۲۰۲۲) نیز در تحلیل کیفی خود به آن اشاره کرده‌اند و نشان داده‌اند که افراد در شرایط بحران مالی، ذهنی و سواسی و غیرقابل‌پیش‌بینی دارند.

در مقوله دوم، یافته‌ها حاکی از آن بود که اضطراب اقتصادی، روابط اجتماعی بیماران را تحت‌تأثیر قرار داده و موجب انزوا، تنش‌های خانوادگی و کاهش کیفیت روابط عاطفی شده است. «کناره‌گیری از جمع» و «پنهان‌کاری» به عنوان راهکارهای مقابله‌ای، ریشه در ترس از قضاوت و شرمندگی اجتماعی داشتند؛ امری که Bourdieusian (۲۰۱۴) آن را به ساختارهای سلطه زبان و شرم اجتماعی ناشی از سرمایه اقتصادی مرتبط می‌داند. همچنین، «تنش‌های خانوادگی» به‌ویژه در روابط زناشویی، به‌وضوح در روایت‌های شرکت‌کنندگان بازتاب یافته و با یافته‌های Yalom (۱۹۸۰) در زمینه اثرات فشار اقتصادی بر روابط بین‌فردی قابل تطبیق است.

در مقوله سوم، گفتمان‌هایی ظاهر شد که نشان‌دهنده ورود اضطراب اقتصادی به سطوح بنیادین معنای زندگی بودند. «تهی شدن معنا»، «تقابل بین بودن و داشتن»، و «مواجهه با ترس‌های اگزستانسیال» از جمله مفاهیمی بودند که در مصاحبه‌ها بارها تکرار شدند. این داده‌ها نشان می‌دهد که افراد در مواجهه با فقر مزمن و بی‌ثباتی اقتصادی، صرفاً با مشکلات مادی روبه‌رو نیستند، بلکه دچار نوعی فروپاشی در معنا بخشی به زندگی نیز می‌شوند؛ امری که Frankl (۱۹۸۵) آن را «خلأ معنوی» می‌نامد و آن را از ریشه‌های اضطراب اگزستانسیال می‌داند. مواجهه با ترس از مرگ، بی‌خانمانی یا نابودی، درواقع شکل نمادین‌تری از اضطراب اگزستانسیال است که در بستر بحران اقتصادی فعال شده است (May, 1950).

یافته‌ها همچنین نشان دادند که برخی از بیماران به جای فروپاشی کامل روانی، کوشیده‌اند در دل بحران، معناهای جدیدی برای زندگی بیابند؛ نظیر بازتعریف خود، رجوع به باورهای قدیمی یا تمرکز بر ارزش‌های غیرمادی. این نوع مواجهه، با آنچه Yalom (۱۹۸۰) در قالب «شجاعت هستی» توصیف می‌کند، قابل تطبیق است و نشان‌دهنده ظرفیت‌های بازمانده روانی در افراد برای معناسازی در دل بی‌ثباتی است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

References

- American Psychiatric Association. (2013). Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th ed.).
- Bourdieuian, P. (2014). Language and symbolic power. Harvard University Press.
- Frankl, V. E. (1985). Man's search for meaning. Washington Square Press.
- Frasquilho, D., Matos, M. G., Salonna, F., Guerreiro, D., Storti, C. C., Gaspar, T., & Caldas-de-Almeida, J. M. (2016). Mental health outcomes in times of economic recession: a systematic literature review. BMC Public Health, 16(1), 115.
- Kaviani, H., Mowlaie, M., & Sadeghi, M. (2018). Economic insecurity and its relationship with mental health indicators in Iranian urban population. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 24(3), 280–289.
- May, R. (1950). The meaning of anxiety. Ronald Press.
- Mills, C., Yardley, L., & Wiggins, S. (2022). The lived experience of economic anxiety: A qualitative study of financial insecurity and distress. Journal of Health Psychology, 27(2), 198–211.
- Smith, J. A., & Osborn, M. (2007). Interpretative phenomenological analysis. In J. A. Smith (Ed.), Qualitative psychology: A practical guide to research methods (pp. 53–80). Sage.
- Sweet, E., Nandi, A., Adam, E. K., & McDade, T. W. (2013). The high price of debt: Household financial debt and its impact on mental and physical health. Social Science & Medicine, 91, 94–100.
- van Manen, M. (1990). Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy. State University of New York Press.